

## پیام یک دوست!

به کمونیست ها، کارگران آگاه، زنان  
برابری طلب، روشنفکران و جوانان  
انقلابی کردستان عراق!

رفقا و دوستان!

بخشی از شما در قیام مارس ۱۹۹۱ هنوز متولد نشده بودید، یا دوران کودکی را می گذرانید. شما نسل جدید اکنون بالای ۱۸ و ۲۰ سال هستید و پیروزی قیام مارس را دهن به دهن شنیده اید. قیامی که به ساقط شدن رژیم صدام حسین در کردستان منجر شد.

در جریان قیام مارس شما کارگران و مردم زحمتکش در محلات کارگری و محلات شهرها و در مراکز کار و کارخانه ها، شوراهای خود را سازمان دادید و دفاتر شوراها را در محل های کار و زندگیتان دایر و مسلحانه از این دفاتر پاسداری کردید. آن زمان شانس حضور در قیام و جنبش شورایی تان را داشتیم. تعدادی از کمونیست های آن دوره، از سازمان دهندگان و سخنرانان جنبش اعتراضی امروز شما در میدان آزادی سلیمانیه و دیگر شهرهای کردستان عراق هستند.

شوراهای مارس ۹۱، با سرازیر شدن احزاب مسلح ناسیونالیست (اتحادیه میهنی و پارتی) از انطرف مرزها سرکوب و برچیده شدند.

از آن زمان تا کنون بیش از ۲۰ سال می گذرد. احزاب مسلح با اتکا به احساسات کردایی بخش نه چندان کمی از مردم و با اتکا به زور اسلحه و نیروی مسلح، حاکمیت خود را برقرار کردند.

بیش از دوده است، با تحمل تبعیض و نابرابری و ستم و استثمار و فقر و تحقیر و محرومیت از ابتدایی ترین امکانات رفاهی و امنیت و حرمت اجتماعی، دندان روی جگر گذاشتید و به این احزاب فرصت دادید. اما احزاب مسلح حاکم در مقابل ناراضیاتی شما، دست در دست سرمایه داران نوکیسه،



## بزرگداشت ۸ مارس روز جهانی

### زن در شهرهای کردستان

امروز ۱۷ اسفند، در صدمین سالگرد ۸ مارس، مراسم های بزرگداشت روز جهانی زن در شهرهای مختلف ایران برگزار شد.

علیرغم فشار و تمرکز نیرو و تهدید فعالین زنان

از جانب ارگان های سرکوب جمهوری اسلامی، علیرغم تلاش جنبش ارتجاعی سبز و همه طرفداران آن برای مصادره جنبش برابری طلبانه زنان و تبدیل آن به دنبالچه جنبش سبز، اما تلاش های انسانی با ارزشی برای برگزاری مراسم بزرگداشت روز جهانی زن در شهرهای ایران و کردستان و در میان زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب به عمل آمد. از جمله این تلاش ها در شهرهای کردستان در سنندج، مهاباد، کامیاران و ... صورت گرفته که جلوه هایی از اعتراض به تبعیض جنسی و آپارتاید و بی حقوقی زنان، به مناسبت ۸ مارس به نمایش در آمد.

ص ۳



## برای آینده ای روشن، در جهت تامین

### منافع کارگران و ستمدیدگان

سخنرانی خسرو سایه عضو رهبری حزب کمونیست کارگری کردستان،

در میان هزاران نفر در میدان آزادی سلیمانیه



سلام بر شما، زنده باد انقلاب، زنده باد تحرک انقلابی شما!

امروز یاد قیام سال ۹۱ در خاطرم زنده میشود، اکنون که ما در میدان آزادی جمع شده ایم، موجی دیگر از انقلاب شروع شده است،

اما این قیام بر خلاف قیام قبلی، چشم امید به قدرتگیری و به قدرت رسیدن مردم دوخته است، چشم امید به تامین مطالبات مردم کردستان برای آینده ای روشن و در جهت تامین منافع کارگران و مردم ستمدیده، زنان و جوانان دوخته است

ص ۴

## دستمزدها

### وقت کشی دولت و انتظار طبقه کارگر

مظفر محمدی

چند روزی به پایان سال باقی مانده است و هنوز موضوع تعیین دستمزد کارگران در سال آتی مسکوت مانده است. شورایی عالی کار بررسی این مساله را به امروز ۲۳ اسفند موکول کرده است! در همان حال، وزیر اقتصاد صراحتاً و وزیر کار تلویحاً طرح عدم افزایش دستمزدها را مطرح کرده اند. این در شرایطی است که طرح حذف پارانها ها به اجرا در آمده و دولت با وقت کشی و طفره روی می خواهد در آخرین روزهای پایان سال اعلام کند که افزایش دستمزدی در کار نخواهد بود. سال های قبل معمولاً تحلیل گران و مفسرین اقتصادی دولت دست پیش می گرفتند و تیله ای وسط میانداختند و خودشان هم میبزدند و می دوختند. امسال ظاهراً نیازی به این کار هم نداشته اند.

ص ۵

## شش سال گذشت و روز ما فرا رسید!

ص ۷

هیوا یوسفی

## آزادی، برابری، حکومت کارگری



به ساختن کاخ ها و هتل ها و شهرک ها و کنترل کامل تجارت و بازار مصرف و توزیع و حمل و نقل پرداختند. سرمایه داران و احزاب کردی، کرور کرور سود و سرمایه انباشت کردند اما نتوانستند و نخواستند ابتدایی ترین نیاز های جامعه مانند آب آشامیدنی سالم، برق، سوخت، بهداشت، آموزش و پرورش و تامین شغل و رفاه برای کارگران و مردم فراهم کنند. در آغاز قرن بیست و یکم دو دهه زندگی با چند ساعت برق موتور، با آب ناکافی و ناسالم، یعنی زندگی در بیابان و برهوت، نه زندگی شهری و متمدنانه.

اکنون، شما که کارد به استخوان تان رسیده، با الهام از انقلابات همسرنوشتانتان در خاورمیانه و شمال آفریقا، شیپور پایان این فصل تلخ و دردناک زندگیتان را به صدا در آورده اید. اکنون بار دیگر سلیمانیه قلب جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در کردستان شده است. بار دیگر شما کارگران و زحمتکشان نسل شوراهای مارس و فرزندان جوان تان در همه شهر و شهرک های کردستان عراق بپا خاسته اید تا بگویید، فقر و بی امکاناتی و ناامنی و تحقیر و چپاول ثروت های جامعه توسط اقلیتی مفت خور که لقب (فراعنه) به آنها داده اید، بس است!

برخاسته اید تا بگویید که دیگر بخشی از شما گدایی و صدقه جیره و مواجب تحت عناوین پیشمرگان سابق، خانواده شهدا و یتیمان و بیوه زنان و معلولان جنگی و گرسنگان را نمی پذیرید!

برخاسته اید تا بگویید که دیگر از انتظار خاموش و روشن شدن برق، آب آشامیدنی جیره بندی شده، ایستادن در صف بیمارستان ها و مرگ و میر فرزندان بر اثر ناتوانی از پرداخت هزینه دکنتر و دارو و از تحقیر شدن توسط تفنگچی های محلات و خیابان ها به جان آمده اید و شایسته زندگی انسانی آزاد و برابر هستید!

اکنون آژیتاتورهای کمونیست و انقلابیون و آزادیخواهان نسل شوراهای مارس در میان شما حضور دارند و مهر خود را بر این جنبش کوبیده اند. اما تا پیروزی راه سخت و پيچیده ای در پیش است.

در این روزها یکی از سخنرانان میدان آزادی می گفت نیروهای مسلح پارتی از سلیمانیه بروند و مردم با صدای بلند تکرار می کردند: "بروند!" پیش خودم

گفتم اگر من یکی از ساکنین اربیل یا دهوک بودم و در تجمع میدان آزادی سلیمانیه این شعار را می شنیدم چه احساسی داشتیم و حتما می پرسیدم این نیروها کجا بروند؟ اربیل یا دهوک؟ اگر قرار است میلیشیاى احزاب برچیده شوند، چرا فقط از سلیمانیه و چرا از همه شهرها نه!

خواست جنبش شما کنار رفتن احزاب مسلح و برگشتن اراده و اختیار تعیین سرنوشت به کارگران و مردم است. و این بدوا در گرو آن است که تماما خود را از توهمات ناسیونالیستی، قوم پرستانه، مردسالاری و توکل به این و آن جریان بورژوازی و این و آن شاخه احزاب ناسیونالیست بتکانید.

از حالا و تا رسیدن به پیروزی، فرصت ها و پیروزی هایی به همان اندازه بزرگ جلو روی شما قرار دارد.

در این روزهای اعتلای انقلابی، کارگران و مردم زحمتکش هر روزه به اندازه ده سال دوران عادی می آموزند، خود آگاه می شوند، اعتماد به نفس پیدا می کنند؛ رهبرانشان جلو می آیند، خود سازمان می یابند و سازمان می دهند.

در این روزها بار دیگر کمونیسم و کارگر شانس ابراز وجود طبقاتی و انسانی و شانس برافراشتن پرچم آزادی و برابری و شرکت در قدرت (حتی اگر تمام قدرت هم نباشد) برای سازماندهی جامعه ای شاد، مرفه و آزاد و برابر را پیدا کرده است.

در این روزها همه کمونیست ها، همه آزادیخواهان، همه زنان برابری طلب، همه جوانان مدرن و مخالف سنت های ارتجاعی و ناسیونالیستی، به حزب قدرتمند کمونیستی خود نیاز دارند. حزب کمونیست کارگری کردستان عراق پس از دو دهه مقاومت در برابر ناسیونالیسم و ارتجاع حاکم، یکی از این امیدهای شما کارگران و مردم زحمتکش کردستان عراق است. نباید منتظر اسم نویسی در دفاتر حزب بود. هزاران و ده ها هزار کارگر و زن و جوان و زحمتکش آزادیخواه و برابری طلب می توانند خود را عضو این حزب بدانند و سازمان ها و سلول های حزبی مخفی و علنی را در میان خود ایجاد کنند.

این روزها زمان آن است که کارگران و جوانان و زنان دسته دسته و هزار هزار

به حزب کمونیستی کارگری خود بپیوندند و دفاتر حزب شان را در مراکز کار و محلات زندگی و در مدارس و دانشگاه ها دایر کنند. کارگران آگاه، حوزه ها و شبکه های حزبی را در میان خود سازمان دهند. کمیته های کمونیستی مثل قارچ در کارخانه ها و کارگاه ها و در محلات کارگری و در میان کارگران شاغل و بیکار و در میان جوانان و در دانشگاه ها برویند و سر بر آورند. اوراق و رهنمودهای سیاسی و سازمانی کمونیستی بین مردم توزیع شوند. شبکه ای عظیم از انسان های آزادیخواه و برابری طلب در سطح یک شهر و در همه شهرها و شهرک ها به هم پیوند بخورند و همبستگی و هماهنگی مبارزه و اعتراض سراسری را تامین و تضمین کنند.

این روزها زمان آن فرا رسیده است که با استفاده از تجارب شوراهای مارس، شوراها و سندیکاهاى مستقل کارگری از کارگران شاغل و بیکار یکی پس از دیگری ایجاد و جنبش سوسیالیستی کارگران عروج کند. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اراده و اختیار به انسان است. و این آن روز است.

**کمونیست ها، سوسیالیست ها!**

**کارگران آگاه!**

**زنان برابری طلب!**

**جوانان و روشنفکران انقلابی کردستان عراق!**

دور پرچم سوسیالیسم کارگران و حزب کمونیست کارگری کردستان عراق حلقه بزنید! این حزب را تصرف کرده و از آن خود کنید! سازمان های قدرتمند حزبی و توده ای را در درون خود تشکیل دهید!

بدون یک سازمان حزبی کمونیستی و کارگری محکم و قدرتمند، بدون اتحاد و تشکل های کارگری و توده ای، سرمایه داران و احزاب حاکم نماینده شان نه قدرت را به مردم واگذار و نه آزادی و رفاه را در جامعه تامین خواهند کرد.

میدان آزادی خسته می شود، اما اتحاد و تشکل های حزبی و توده ای شما در مراکز کار و ادارات و مدارس و دانشگاه ها و در محلات زندگی، پایداری مانند و شکست ناپذیرند. نفس این اتحاد و تشکل یک پیروزی و دستاورد بزرگ جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی شما است. اگر این حاصل شود پیروزی نهایی امروز یا فردا ممکن و حاصل است.

**دستتان را به گرمی می فشارم**

**مظفر محمدی**

**زنده باد سوسیالیسم**

## بزرگداشت ۸ مارس ...

**سنندج:** مردم شهر سنندج امروز ۱۷ اسفند، به مناسبت هشت مارس روز جهانی زن مراسمهای متنوعی را برگزار کردند. بزرگترین مراسم هشت مارس در سنندج، امروز ۸ مارس در تالاری در جوار شهرک صنعتی سنندج خیابان سیلو منتهی به جاده همدان سنندج برگزار شد. در این مراسم بیش از ۴۰۰ نفر از مردم شهر شرکت کرده بودند. مراسم با سرود انترناسیونال شروع شد. نرگس محمدی ابتدا در مورد تاریخچه هشت مارس و سنت برگزاری هشت مارسها در ایران و کردستان صحبت کرد. بعد از آن سارا محمدی کارگر کارخانه شیر در مورد وضعیت زنان کارگر و مشکلات اجتماعی زنان سخنرانی کرد. ناصر رستمی کارگر کارخانه فرش در مورد ستم طبقاتی و ستم بر زنان در نظام سرمایه داری صحبت کرد. شیرین احمدی یکی از معلمان شهر سنندج در مورد قوانین، ادبیات، الفاظ و فرهنگ ارتجاعی ضد زن در جامعه ایران و کردستان صحبت کرد. در ادامه مراسم گروهی از جوانان موزیک های شاد را نواختند و شرکت کننده گان به رقص و شادی پرداختند. در خاتمه مراسم قطع نامه ۸ مارس در ۱۲ ماده قرائت شد که با تشویق و تصویب شرکت کننده گان همراه شد. مراسم هشت مارس سنندج در فضایی شاد با پخش شیرینی و شور شوق شرکت کننده گان به پایان رسید.

- مراسمهای متنوع دیگری در ابعاد کوچک و بزرگ در محل کار و محلات مختلف شهر سنندج به مناسبت هشت مارس برگزار شده است. نیروهای امنیتی انتظامی از چند روز مانده به ۱۷ اسفند روز جهانی زن به تهدید و ارباب فعالان اجتماعی پرداختند تا از برگزاری روز جهانی زن در شهرهای کردستان ممانعت کنند اما نتوانستند مانع تصمیم اجتماعی زنان و مردان آزادیخواه شهر سنندج برای

برگزاری هشت مارس شوند.

**مهاباد:** روز جمعه ۱۳ اسفند ماه ۸۹ جمعی از فعالین جنبش زنان و جنبش کارگری و اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری مراسمی را در شهر مهاباد در گرامیداشت روز زن برگزار کردند.

این مراسم از ساعت ۳ بعد از ظهر شروع و تا ساعت ۶ ادامه داشت. مراسم با سرود انترناسیونال سرود همبستگی طبقه کارگر شروع شد سپس به یاد جانبختگان راه آزادی و برابری یک دقیقه سکوت اعلام گردید. مراسم با خواندن یک قطعه شعر انقلابی ادامه پیدا کرد و سپس تاریخچه ۸ مارس توسط یکی از حاضرین خوانده شد. در ادامه مراسم، یکی از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در رابطه با اهمیت برگزاری مراسم ۸ مارس و نیز موقعیت کنونی جنبش زنان سخنانی ایراد کرد. به دنبال دو مقاله تحت عناوین "زنی به نام کلارا" و "زندگینامه رزا لوکزامبورگ" توسط یکی دیگر از اعضای کمیته هماهنگی قرائت گردید و سپس یکی دیگر از اعضای این کمیته، درباره شیوه برگزاری مراسم صحبت کرد. در پایان، قطعنامه کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در گرامیداشت ۸ مارس قرائت شد که مورد استقبال و تشویق حاضران قرار گرفت. این مراسم با بحث آزاد و در میان شادی و شوق حاضرین به پایان رسید.

**کامیاران:** بعد از ظهر روز ۱۳ اسفند ۸۹ مراسم بزرگداشت ۸ مارس توسط جمعی از زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب برگزار شد. در این مراسم سخنرانانی از کمیته برگزاری ۸ مارس در باره تاریخچه ۸ مارس و زن ستیزی و قوانین ضد زن حاکم بر جامعه حرف زدند. در پایان مراسم، قطعنامه ای به تصویب رسید که در آن شرکت کنندگان به زن ستیزی و قوانین ضد زن اعتراض کرده و برابری کامل زن و مرد و لغو کلیه قوانین تبعیض آمیز را خواستار شده

## قطعنامه هشت مارس ۲۰۱۱ سنندج

روز ۸ مارس (۱۷ اسفند) روز جهانی زن است، برای ما زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب، ۸ مارس روز اعتراض به نابرابری های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. روز اعلام کیفرخواست علیه بانیاں تبعیض و نابرابریست، روز اعلام مبارزه علیه منادیان جهل و خرافه و عقب ماندگی فرهنگی و اجتماعی است. جنبش آزادی خواهی و برابری طلبی جنبش جهانی زن است جنبش جهانی زن، برای تحقق آزادی زن، برابری و تامین یک زندگی شایسته انسان باید مبارزه کنیم. ما شرکت کننده گان در هشت مارس ۲۰۱۱ پشتیبانی خود را از مبارزات بین المللی زنان و مردان برای کسب آزادی و برابری اعلام میکنیم. همه انسانهای آزادیخواه را به مبارزه مشترک برای تامین مطالبات ذیل فرا میخوانیم:



اند.

- همچنین شب ۱۶ اسفند، دهها زن و مرد برابری طلب در یکی از محلات شهر کامیاران تجمع کرده واز ۸ شب تا ۱۱ به مدت ۳ ساعت مراسم بزرگداشت سالروز ۸ مارس روز جهانی زن را برپا داشتند. در این مراسم موقعیت فرودست زن در جامعه مورد بحث و بررسی قرار گرفته و اعلام شد، تلاش برای تقویت جنبش جهانی زن، رفع ستم و تبعیض بر زنان و تحقق خواست برابری زن و مرد وظیفه همه انسان های آزادیخواه و برابری طلب است.

**میریوان:** دانشجویان دانشگاه پیام نور میریوان هم به مناسبت ۸ مارس پیامی فرستاده و در آن به تبعیض و نابرابری و ستم بر زنان اعتراض کرده اند.

جمهوری اسلامی ضد زن امسال هم با تمرکز نیرو و تهدید و سرکوب تلاش کرد مانع برگزاری مجامع بزرگ زنان و مردان در ۸ مارس در همه شهرهای ایران گردد. به زنانی که در تهران قصد بزرگداشت ۸ مارس را داشتند حمله ور شده و آنها را متفرق نموده و در شهرهای کردستان هم فعالین حقوق زن را تهدید و تعقیب می کند.

اما علیرغم همه تمهیدات سرکوبگرانه، رژیم آپارتاید جنسی در مقابل خواست برابری طلبی میلیونی زنان و مردان راه گریزی ندارد. جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی به وسعت خاورمیانه در جریان است. دیری نخواهد پایید که زبانه های آتش گسترده خشم کارگران و زحمتکشان و زنان و جوانان دامن جمهوری اسلامی را گرفته و به استبداد و اختناق و استعمار ۳۰ ساله این حکومت ضد کارگر و ضد زن و ضد انسانیت خاتمه خواهد داد.

**زنده باد ۸ مارس**

**زنده باد آزادی، برابری**

**کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری**

**حکمتیست**

**۱۷ اسفند ۱۳۸۹ (۸ مارس ۲۰۱۱)**

## سخنرانی خسرو سایه ...

ما در سال ۹۱ دقیقاً در اینجا و من شخصا در جریان جنبش شوراها همینجا برایتان صحبت کردم و به مردم هشدار دادم که جنبش کردایتی آینده ایی را برای ما به ارمغان می آورد، که همین امروز در آن زندگی می کنیم. اما برای جلوگیری از تکرار این سناریو و تغییر آن لازم و ضروری است که مردم نسبت به قیام حاضر برخورد هوشیارانه تری داشته باشند.

همین الان چندین حزب و جریان در پشت پرده در حال نقشه کشیدن برای حقنه کردن سرنوشت و خواسته ها و مطالبات مردم هستند. به ما می گویند حکومت تکنوکراتها، می گویند انتخابات قبل از موعد، به ما می گویند حکومت اسلامی، اینها هیچکدام مطالبه و خواسته ما را برآورد نمیکنند.

مردم کردستان باید هوشیارانه وقایع را دنبال کنند و بطور مداوم در میدان مبارزه

باقی بمانند. مبارزات ما باید به کارگاه و کارخانه ها، محلات و دانشگاهها منتهی شود. حکومت در حالت عقب نشینی است. آنهایی که چادرهای ما را می سوزانند (مردم در این میدان شبها چادر زده و میمانند، که شبانه چادرهایشان را آتش زدند)، آنهایی که زندانی می کنند و آنهایی که قتل عام می کنند، همه اش تنها ترس از قیام مردم است. ما باید کاملاً هوشیارانه دوری و نزدیکی احزاب را نسبت به چگونگی دفاع و پشتیبانیشان از خواسته هایمان بسنجیم. هر حزبی که طرفدار آزادی بی قید و شرط سیاسی نباشد، با قیام ما هیچ نسبت و نزدیکی ندارد. هر حزبی برابری کامل زن و مرد را به رسمیت نشناسد با قیام ما نسبت و نزدیکی ندارد. هر حزبی دخالت مستقیم مردم را در انتخاب نمایندگان خودشان برای دخالت مستقیم در قدرت را قبول نداشته باشد، با قیام ما هیچ نسبت و نزدیکی ندارد. هر حزب و سازمانی خواهان کار و بیمه بیکاری و حداقل دستمزد به مبلغ یک میلیون دینار برای کارگران نباشد با ما هیچ نزدیکی ندارد.

در نتیجه باید صفوف خود را حول پلاتفرم و خواسته های روشن متحد نماییم تا بتوانیم این قیام را به عاقبتی روشن منتهی نماییم.

در این قیام بیابید فریاد بزنیم:

**نان کار آزادی**

**حکومت نماینده های مستقیم مردم**

اینها خواسته ها و مطالبات ما هستند و از همه شما می خواهم که هوشیارانه وقایع را دنبال کنید، نگاه کنید که احزاب چه میگویند، حاکمین چه میگویند، تا بار دیگر به نیرو و ابزار دست جریاناتی تبدیل نشویم که تنها منفعت سرمایه داران، صاحبان کمپانیها، کارخانه ها و تاجر را نمایندگی می کنند. نباید بار دیگر این قیام مردم را با دستان خالی و بدون نتیجه روانه خانه هایشان نمایند.

تضمین تحقق و تحمیل خواسته ها و مطالباتمان در گرو هوشیاری و آگاهی کامل ما است:

نان کار آزادی این تنها سرلوحه روشن مردم کردستان است.

پیش به سوی ساختن آینده ایی که خواهان آن هستیم.



۱. لغو کلیه قوانین و مقررات زن ستیز و نا برابر در همه شئون زندگی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی
۲. لغو آپارتاید جنسی در جامعه
۳. لغو حجاب اجباری و برسمیت شناختن آزادی پوشش
۴. لغو اعدام، سنگسار، قصاص و ممنوعیت شکنجه و خشونت از قوانین کشور
۵. آزادی همه زندانیان سیاسی، تامین بدون قید و شرط آزادیهای سیاسی و اجتماعی، آزادی بیان، تشکل و تجمع
۶. ما حمایت خود را از قیام های اجتماعی در کشورهای آفریقایی و خاورمیانه اعلام میکنیم و از جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی مردم برای سرنگونی رژیم های مستبد حاکم پشتیبانی میکنیم.
۷. برسمیت شناخته شدن حقوق برابر برای زن و مرد در همه فعالیتهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی
۸. آزادیهای فردی و اجتماعی مردم به رسمیت شناخته شود و ممنوعیت نقض حقوق شهروندان از طرف نهادهای رسمی و غیررسمی.
۹. تامین حقوق و دستمزد برابر برای همه آحاد جامعه اعم از زن و مرد
۱۰. زنان خانه دار کارگران بی مزدند. ما خواهان تامین بیمه بیکاری، بیمه از کارافتادگی، بازنشستگی و پرداخت حقوق و مزایای برابر برای همه زنان خانه دار هستیم.
۱۱. کودکان و زنان تحت تکفل کارگران از شرایط غیر انسانی که به آنها تحمیل شده است بشدت رنج می برند ما از اعتراض و مبارزه کارگران و خانواده های آنها برای کسب حقوق های معوقه، بدست آوردن حقوق مکفی و تامین یک زندگی انسانی پشتیبانی میکنیم.
۱۲. تامین زندگی و مسکن مناسب برای کودکان - دختران و زنان بی پناه و خیابانی

**زنده باد هشت مارس**

\*\*\*

### قطعهنامه ۸ مارس ۲۰۱۱ کامیاران

- ۱- لغو همه قوانین ضد زن و کلیه قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان و تضمین برابری کامل زن و مرد در همه عرصه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی.
- ۲- لغو جدا سازی جنسیتی، تبعیض و ستم جنسی، ملی، نژادی، قومی و مذهبی.
- ۳- ممنوعیت صیغه و تعدد زوجات، ازدواج دختران زیر ۱۸ سال، حق بی قید و شرط جدایی (طلاق) برای زن، لغو کلیه قوانینی که حقوق مدنی زنان (نظیر حق مسافرت، معاشرت، شرکت در فعالیت های اجتماعی و غیره) را به کسب اجازه از شوهر، پدر و یا سایر مردان خانواده مشروط می کند. برابری کامل حقوق و وظایف زن و مرد در امر تکفل و سرپرستی فرزندان پس از جدایی.
- ۴- لغو حجاب اجباری زنان و ممنوعیت حجاب کودکان و به رسمیت شناختن کامل آزادی پوشش.
- ۵- لغو کلیه احکام و قوانین ضدانسانی سنگسار و اعدام و قصاص.
- ۶- آزادی بی قید و شرط بیان و اعتراض و آزادی تشکل و اعتصاب و تحزب و اجتماعات.
- ۷- آزادی فوری و بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی و عقیدتی.

## دستمزدها ...

سال ۸۹ نیز مانند سالهای قبل سال سخت و سال فقر و تنگدستی و زندگی زیر خط فقر برای میلیونها خانواده کارگری بود. اوایل همین سال برخی از نماینده های خود بورژوازی سطح خط فقر را یک میلیون تومان اعلام کردند و خودشان گفتند در سالهای اخیر، سالانه ۴۰ درصد به قیمت اقلام و کالاهای مصرفی در بازار اضافه شده است. هر چند که این آمار و ارقام نیز واقعی نیستند و خیلی بیشتر از اینها بوده، اما در همین حد هم تکان دهنده است. وقتی در همین سال ۸۹ کارگر ۱۵ درصد افزایش دستمزد می گیرد و در مقابل نیازمندیهایش را فرض کنیم همین ۴۰ درصد گرانتر تهیه می کند، به این معنی است که طبقه کارگر متناسب با گرانی و تورم ۲۵ درصد دستمزدش را پایین آورده اند و اضافه نشده است و این که کارگران این کاهش دستمزد را چگونه جبران می کنند خود یک مساله دردناک بوده و باید اضافه کاری کند و کمتر بخورد و گوشت میوه از سبد مصرف خانواده کارگری حذف شود. تفریحش را قلم بگیرد.

در حالی که کارگر حق دارد بپرسد که اگر در سال ۸۹ دستمزد من ۱۵ درصد اضافه شد، باید قدرت خریدم ۱۵ درصد اضافه شود، یعنی ۱۵ درصد بیشتر از سال قبل بخورم و بپوشم و تفریح کنم. در حالی که بطور واقعی اینطور نشد و به نسبت ۴۰ درصد تورمی که تازه خودشان می گویند، قدرت خرید کارگر کمتر از سال قبل شد. به همین ترتیب این سرنوشت شاید در سال ۹۰ هم در انتظار کارگران است. حالا اگر سراغ کارگران بیکار هم برویم ولو بیمه بیکاری ناچیزی هم به او بدهند، دیگر فلاکت محض است. داستان دردناک زندگی خانواده های کارگران بیکار را نمیشود همینطور مختصر گفت.

بحث سرمایه دارها در رابطه با افزایش دستمزدها این است که برای مثال دولت می گوید ما یارانه های نقدی میدهیم. می گویند دستمزد اضافه شود، تولیدات گران می شود کارخانه سود نمی دهد. می گویند اخراج بشوید خوب است یا دستمزد کم باشد؟ همین چند وقت پیش بود محمد جهرمی وزیر کار گفت، با افزایش حقوق کارگران، ثبات و پایداری بنیانهای اقتصادی کم می شود و بیکاری

افزایش پیدا میکند. یا مثلاً مدیر کل بانک مرکزی میگوید که تعدادی از کارخانه دارها آمدند پیش ما و گفتند که اگر هزینه های ما را زیاد کنید (منظورشان دستمزد کارگر است) ما هم ۵۰ درصد نیروی کار را اخراج می کنیم. می خواهم بگویم که آنها توجهات بسیار زیادی برای قانع کردن و یا ترساندن کارگر می آورند. همین که می گویند، اخراج بشوید بهتر است یا دستمزدتان کم باشد؟! بخشی از کارگران را نسبت به مطالباتشان محافظه کار کرده و دست به کلاه خود دارند. یکی دیگر از حقه هایشان بحث تورم است. طبق آمار خودشان در سال هشتاد و نه؛ هر صد میلیون سرمایه سی و شش میلیون سود برده است یا ارزش اضافه در ماه داشته است و با وجود این سرمایه دارها به این راضی نیستند و چشم به دستمزد ناچیز کارگران دوخته اند که کار هر چه ارزان تر سود بیشتر!

یا آمده اند میگویند که برای اینکه سرمایه بالاترین سود را بکند باید پائین ترین هزینه را داشته باشد و برای اینکه پائین ترین هزینه را داشته باشد باید کارگر را تعدیل بکند یک تعدادی را نگه داریم یک تعدادی را اخراج کنیم. و برای اینکه آن کسی را که نگه داشتیم دستمزدش یک خورده بالا برود باید یک تعدادی اخراج بشوند. یا مثلاً، پرداختهای غیر مستقیم که خودشان ۱۴ قلم را اعلام کرده اند، می گویند اینها هم جزو دستمزد کارگر است. طبق آخرین حسابی که اتاق بازرگانی کرده است گفته چه کسی میگوید کارگر سیصد و سه هزار تومان میگیرد. پانصد و نود هزار تومان تا نهصدوسی و هشت هزار تومان میگیرد. با احتساب آن چهارده قلمی که خودش اعلام کرده مثلاً عیدی و مرخصی و بازخرید سنوات و حق اولاد و از اینجور مسائل...

و سرانجام می گوید بیائید با هم بنشینیم این مشکل را حل کنیم، گویا یک مشکلی پیش آمده که مشکل کل جامعه است و مشکل طبقه کارگر و بورژوازی هر دو با هم یکی است. مشکل هر دو تئای آنها است. منفعت هر دو تئای آنها است، بنشینند با هم حلش کنند!

اما اگر کارگر بخواهد از زاویه منفعت خودش به جنگ و مبارزه برای افزایش دستمزدها برود، حرف دیگری دارد و کار دیگری می کند. کارگر هم به سرمایه دار می گوید، شما دولت دارید، مجلس دارید، بنگاه های اقتصادی دارید، یک گله از مشاورین اقتصادی دارید، مدیا دارید و دانشگاه دارید. بروید و مشکلاتان

را آنجا حل کنید چرا روی میز دستمزد من میگذارید؟! کارگر می گوید، کتاب اقتصاد من این است که با پولی که میگیرم باید غذا بخورم، پوشاک بخرم، مسکن مناسب داشته باشم، بچه هایم بروند دانشگاه درس بخوانند، ماشین سوار بشوم، رفاهیات داشته باشم و مثل تو غذا بخورم، تو توی بحران هستی از غذایت کم کردید؟ یکی از ماشین هایت را فروختید؟ مسکن ات را عوض کردید که مثلاً کاخ یا ویلایت را یک اتاقه یا دو اتاقه کنید؟ چرا سر سفره و زندگی من سرشکن میکنید؟...

در طول این سه دهه حاکمیت سرمایه در ایران اگر اسما حداقل دستمزد بالا رفته اما دستمزد واقعی همیشه کمتر شده است. سرمایه دار یک جانی چندرغاز اضافه کرده، ده تا جای دیگر پس گرفته اند. هم اکنون حذف یارانه ها و آزاد سازی قیمت ها و اینها باعث شده که هر چقدر هم دستمزد اضافه کنند باز هم کارگر به نسبت پارسال باید کمتر بخورد و کمتر بپوشد. تصور کنید در فاصله این یک سال و نیم اخیر گوشت از هشت هزار تومان شده بیست هزار تومان. خط فقر به یک میلیون و نیم رسیده است

دولت آمده به سرمایه دارها سوبسید میدهد. آمار خودشان میگوید که پنجاه میلیارد دلار نظام بانکی ایران به سرمایه دارها در این دوره به قول خودشان بحران در ایران، سوبسید داده است و یک ریالش هم هنوز پس نگرفته است. یک کار دیگر هم که کرده با حذف یارانه ها قیمت ها را آزاد گذاشته که هر فروشنده ای می تواند فردا اتیکت قیمت کالایش را عوض کند و دوبرابر قیمت روی آن بگذارد. از آن طرف میاید سروقت طبقه کارگر و با همه اینها به کارگر میگوید دستمزد تو کافی است یا چند در صدی اضافه میکنم. بنا بر این اساس مسئله این است کارگر از زاویه منفعت خودش می رود سراغ افزایش دستمزدها و معیارش کتاب اقتصاد بورژوازی نیست، معیارش سفره اش است و نوع زندگی اش است و کیفیت زندگی اش است. بر این اساس طبقه کارگر باید توقع اش را بالا ببرد.

یک واقعیت تلخ هست و آن هم این است که عادتاً کارگر بخش محروم جامعه معرفی و نامیده می شود. بخش محروم جامعه هم تکلیفش روشن است. بخور و نمیری پس اش است. در حالی که کارگر هم همه آن چیزهایی که یک بورژوا می خواهد

خدمت تامین نیازهای بشر قرار بدهد. مبارزه کارگر برای افزایش دستمزد برای درآوردن حق اش از حلقوم سرمایه دار است. در نهایت برای این است که حکومت را از دست سرمایه دار در بیاورد و وسائل تولید را از دست اش بگیرد. قرار نیست تا ابدالدهر کارگر-کارگر باشد و بورژوا-بورژوا.

مبارزه برای افزایش دستمزدها یکی از آن سنگرهای طبقه کارگر است که به بورژوازی نشان دهد که یک طبقه است. تولید محصول کار او است. دستمزد نتیجه کار خودش است. منت بورژوازی نیست. ما دو طبقه هستیم و منافع مختلف داریم و جدا هستیم و با هم در جنگ و جدال هستیم. من محصول کارم را می خواهم از دست تو در بیاورم و تو می خواهی من را برده نگاه داری. با هم تعارفی نداریم من همه آن چیزهایی که یک انسان متمدن این دوره احتیاج دارد را می خواهم که نتیجه کار خودم است. افزایش دستمزد به نسبت نیاز خانواده کاری و به نسبت تورم و گرانی حداقلی است که طبقه کارگر هر سال می طلبد و برایش مبارزه می کند.

آیا دولت سرمایه داران در ایران می تواند در شرایطی که طبقه کارگر و زحمتکشانشان به عنوان نیروی محرکه و اصلی در انقلابات توده ای کشورهای خاورمیانه پشت نظام های سرمایه داری حاکم را زمین زده اند، از کنار مساله حیاتی افزایش دستمزد کارگران در سال ۹۰ به سادگی رد شده و آن را نادیده بگیرد و قصر در برود؟ جواب این سوال را طبقه کارگر و فعالین و رهبران کاری باید تاحال داشته و تصمیم شان را گرفته باشند!

دارش یا آن آفابانی که آن بالا نشسته اند چگونه زندگی می کنند. بگوید می خواهم مانند آنها زندگی کنم. یا نصف دستمزد آنها را به من بدهید.

اما بدو کارگر باید سازمان داشته باشد یعنی قدرت چانه زنی را داشته باشد. این قدرت را به کارگر میدهد که مبلغ بالاتری را می خواهد. شما اگر فرض کنید با یک سندیکای شرکت واحد تازه اگر اجازه داشته باشد یا فرض کنید دوتا سندیکایی که الان در ایران هست و مستقل هست بروید به جنگ سرمایه دارها و برای افزایش دستمزد، خوب به اندازه زنتان به شما جواب میدهند.

اگر شما بخواهی با نمایندگان سراسری منتخب مجامع عمومی کارگری نفت و پتروشیمی و ماشین سازی ها و ذوب آهن و اینها بروید سر میز مذاکره با بورژوازی یک طور دیگر با شما صحبت می کنند و این باید بدو حل و فصل بشود در غیر این صورت هر چند تا جمع کارگری و هر چند تا انجمن کارگری اینجا و آنجا بگویند یک میلیون خوب است و پانصد هزار کم است و فلان است، خوب آنها می نشینند و در غیاب کارگری که متحد و متشکل نیست و نماینده اش غایب است، تصمیم دیگری می گیرند.

و آن وقت می آیند و به کارگر می گویند، صلاح مملکت است، مصلحت تولید است، مصلحت وطن است، مصلحت اسلام است و اینها را میاورند وسط که گویا اینها مصلحت کارگر هم است. گویا کارگر در نتیجه تولید ذینفع است. کارگر وقتی در نتیجه تولید ذینفع است که آن را از دست سرمایه دار در بیاورد و در



او هم به طور واقعی می خواهد. تلویزیون یخچال، ماشین لباس شویی و ظرف شویی و اتومبیل و مسکن مناسب و آب و برق و پوشاک و بهداشت و تحصیلات بچه هایشان و همه اینها، وقتی کارگر سر میز مذاکره می نشیند معمولاً اقلامی از نیازهای زندگی مثل نان و آب و برق و از اینها مطرح می شود. مثلاً گویا کارگر ماشین نمی خواهد. احمدی نژاد یک افتخارش این است که می گوید، بنزین گران شده که گران شده کارگر که ماشین ندارد بیشتر بدبختها که ماشین ندارند. انگار که کارگر بدبخت است، محروم است، ماشین می خواهد چکار، بنزین می خواهد چکار... در حالی که بورژوا هم مرد اش هم زن اش و هم بچه هایش هر کدام یک ماشین دارند و هر کدام از آنها یک اتاق جداگانه دارند انگار کارگر اینها را نمی خواهد.

وقتی توقع را آنقدر پائین بگیریم تازه آنوقت میاید سر بخور و نمیر، فقط نان و آب. مذاکره سر افزایش دستمزدها فقط می شود نان و آب.

این یک وجه مساله است که کارگر چه نوع زندگی ای می خواهد و میزان افزایش دستمزدها باید چقدر باشد. اگر کسی از من بپرسد که میزان دستمزد ها باید چقدر باشد؟ من میگویم به اندازه ای که به وزیر کار می دهند. کارگر چگونه زندگی کند؟ می گویم مانند رفسنجانی و رفیق دوست، چرا نه؟ یا اصلاً چرا دستمزد؟ چرا کار مزدی و بردگی مزدی؟ هر تک کارگر و خانواده کارگری هر فرزند و همسر کارگری در ایران تشخیص می دهد که همسایه سرمایه



## گروه های گارد آزادی را تشکیل دهید!

### به گارد آزادی به پیوندید!

#### مردم آزادیخواه کردستان!

گارد آزادی نیروی متشکل و مسلح شما برای دفاع از خود در مقابل همه نیروهای ارتجاعی است. گارد آزادی، نیروی دفاع از انسانیت، آزادی انسان ها، برابری انسان ها، دفاع از حق برابر زن و مرد، حقوق کودک، آزادی کامل و بی قید و شرط بیان، تشکل و اجتماع، نیروی دفاع از دستاوردهای فکری و فرهنگی بشریت در مقابل فرهنگ ارتجاعی و عقب مانده و نیروی دفاع از حق شاد بودن و مرفه زیستن انسان ها است.

گارد آزادی نیروی دفاع در مقابل هر کس و جریانی است که بخواهد بزور خود را به زندگی مردم تحمیل کند

#### زنان و مردان آزادیخواه! جوانان انقلابی!

هر کجا هستید، در محله و در شهر و روستا گروه های گارد آزادی را تشکیل دهید و از هر طریق که می توانید خود را مسلح کنید و با ما تماس بگیرید.

تلاش کنید در محل تان آزادی اندیشه و بیان رفتار و فرهنگ انسانی و پیشرو، بخصوص علیه فشار و ستم بر زنان، تعرض به حقوق کودکان و تبلیغات قوم پرستانه، حاکم باشد.

فضای محل تان را بر فعالیت عوامل جمهوری اسلامی تنگ کنید. امکان فعالیت کمونیستی و آزادی خواهانه را در محل گسترش دهید.

## شش سال گذشت و روز ما فرا رسید!

هیوا یوسفی



های ناموسی شدند و بینی و گوششان را با پشتیبانی قوانین حکومت "کرد"

برپیدند. اینها حتی در عالم ناسیونالیستی خودشان هم هر جا که بحث قدرت به میان آمد به همدیگر رحم نکردند و علم دار دولت ترکیه و ایران علیه احزاب برادر خود شدند.

اینها را گفتیم و ناسیونالیستهای دو آتشه کرد که تمام زورشان را می زدند تا با لهجه غلیظ کردی حرف بزنند ما را به باد فحش و ناسزا گرفتند و عکسهایمان را بزرگ کرده و چشمهایش را در آوردند و به در و دیوار دفتر موسسه "چیا" چسباندند. به ما گفتند که از اسم مان که کردی است خجالت بکشیم. یقه ما را گرفتند و تحت اتهام خیانت به ملت کرد با چماق هایشان برای محاکمه خیابانی ما آمده بودند. باز گفتیم عزیزان کلاه سرتان نرود، اشتباه نکنید، خود را سربازان این کلاه بردار ندانید، عاقبتش روشن است و این است و آن است... حرفهای ما بعضی ها را برگرداند و به خود آورد و به کت برخی دیگر نرفت. امروز آنها شریک جرم این رسوایی کردی شده اند و ما سرمان را با اسم کردی مان بالا می گیریم که زورمان را زدیم تا این کلاه گشاد را به اربابان کرد پس بدهیم.

مردم سنجند و شهرهای دیگر کردستان ایران، امروز را که روز اعلام همبستگی و تعلق به جنبش هم سرنوشتان شان در کردستان عراق، علیه زور گویی و مافیای حاکم بر کردستان است را روز خود می دانند و با حمایت بی دریغ خود در دفاع از مردم ستم دیده و زحمت کش کردستان عراق بار دیگر هوشیاری و آمادگی خود را در برابر جریانهای ناسیونالیست که خواب غارت جان و مال مردم کردستان ایران را در سر می پروراندند، ابراز می دارند. این روزها متعلق به ما است.

زنده باد جنبش آزادیخواهی مردم در کردستان عراق!

رنگین کردند و سخن ها رانندند. در همان دوره بود که با جمعی از رفقا در سنندج و شهرهای دیگر تلاش کردیم که خودی بجنبانیم و رقصی بکنیم و آوازی سر دهیم، اما هر چه زور زدیم و فکر کردیم نه رقصمان آمد و نه آواز. رو به مردم کردیم و با استفاده از هر ابزاری تلاش کردیم که بگوییم این کلاه به سر ما و مردم گشاد است و جلال طالبانی با رفسنجانی و مسعود بارزانی با بها ادب و رمضان زاده و ... فرقی ندارند. اینها جیبهای پر زر را بر مردم و "ملت" کرد تاریخا ترجیح داده و می دهند. آن زمان در شماره اول نشریه "چیا" زیر تیتر "به ماچه" نوشتیم و گفتیم این رهبران کرد در این و آن طرف مرزها سابقه درخشانی ندارد و دستک شدن آمریکا نیز حرمت و اعتباری به این سابقه "پر بار" نمی افزاید.

به مردم و جوانان گفتیم مواظب باشید! اینها عکسهای رقص و شادی شما را دور می گردانند و مهرهای خودشان را بر پیشانی تان می کوبند و گفتیم بیاید با هم به همین آبیبر و پارکهای شهر برویم و آنجا قر کمر هایمان را با موسیقی های لری و کردی و عربی و انگلیسی خالی کنیم، اما به دام نقشه های شوم اربابان کرد گرفتار نشویم. دیروز اینها را دیده بودیم و فردایشان برایمان روشن بود. در هیچ جایی سخن از رهایی و برابری نمی زدند، از تامین آب و برق و رفاهیات مردمی که در قرن ۲۱ از آنها محرومند، حرفی بر لب نمی آمد، هر چه بود تلاش برای دادن شناسنامه ای ملی به مردم بود و خود را رهبر ملت کردن، جیبها را پر از پول کردن، خفه کردن کوچکترین صدای مخالف و دزدیدن و کشتن جوانانی که در جراید و رسانه ها لب به اعتراض گشودند.

این رهبران قوم، قریب به دو دهه حکم رانندند و "قانون چند همسری" را برای آن جامعه به ارمغان آوردند و بالغ بر سی هزار زن و دختر در این مدت قربانی قتل

صدای فریادها و بغضهای ترکیه مردم کردستان عراق میادین و خیابان های شهرهای کردستان عراق، سلیمانیه و رانیه و قلازله و کلار و کفری و دوکان را آکنده است. صدای آزادیخواهی و برابری طلبی انسان هایی که مرزهای قومی و مذهبی و نژادی را مردود اعلام و حقوق جهانشمول انسان را خواستار هستند.

همین خیابانها ۵ سال پیش مملو از غریو شادی و صدای بوق اتومبیل های مردمی بود که عکس رهبران کرد را بر سینه زده و سرمست پیروزی انتخاب یک کرد به ریاست جمهوری عراق و دیگری به ریاست افلیم کردستان شده بودند.

همان روزها بود که در کردستان ایران هم ناسیونالیست ها سر از پا نمی شناختند و با تمیک و سرنا در شهر سنندج و شهرهای دیگر دوره افتاده بودند و پر افتخارترین روز کردها را با پخش نقل و نبات و شیرینی و خواندن آواز و رقص کردی به مردم تبریک می گفتند و مردم را به پایکوبی و شادمانی دعوت می کردند. و فریاد زنده باد اولین رییس جمهور کرد تاریخ را سر می دادند.

احزاب و جریانهای قومی منطقه تحت تاثیر این پیروزی شکوهمندشان در راست روی و پاچه خواری آمریکا و اینترپرایز، گوی سبقت را از همدیگر می ربودند و برای ارباب، و با چشم انداز ریاست جمهوری و حکومت بر ایالت فدرال کردستان ایران بعد از حمله آمریکا، برای ارباب ناجی خود دم می جنبانند. همین ها امروز تظاهر کنندگان و معترضینی که با خواست نان و آزادی و رفاه به خیابانها آمده اند را از خشونت برحذر می دارند و یا عامل جمهوری اسلامی می نامند

نشریات داخل و خارج کشور ناسیونالیست ها با تیترهای عراق فدرال، ایران فدرال منتشر می شدند و از مزایای فدرالیسم و حکومت کردی و الطاف خداگونه آمریکا به ملت کرد صفحه ها

<p>اکتبر روز دوشنبه هر دو هفته یکبار منتشر میشود آدرس تماس و ارسال مطلب: <a href="mailto:mozafar.mohamadi@gmail.com">mozafar.mohamadi@gmail.com</a> سر دبیر: مظفر محمدی سایت اکتبر <a href="http://www.oktoberr.org">www.oktoberr.org</a></p>	<p>تماس با دبیر کمیته کردستان عبدالله دارابی: <a href="mailto:darabiabe@yahoo.com">darabiabe@yahoo.com</a> روابط عمومی کمیته کردستان سالار کرداری <a href="mailto:Rawabet.omumi.k@gmail.com">Rawabet.omumi.k@gmail.com</a></p>
---	--

## زنده باد جمهوری سوسیالیستی